



ساختار هندسی سوره‌های قرآن و تأثیر آن در استنباط فقهی

حجت الاسلام والمسلمین محمد خامه‌گر^۱

اشاره

روش ساختاری، سبک جدیدی در تفسیر قرآن کریم است. بر این اساس، هر سوره دارای غرضی است و تمامی آیات و مباحث مطرح شده در سوره به صورت منطقی و فصل‌بندی شده، به آن غرض مرتبط می‌شوند. اگر از این زاویه به مطالعه سوره‌ها بپردازیم، می‌توانیم گزاره‌های جدیدی را از قرآن کشف کنیم؛ گزاره‌هایی که به طور معمول از بررسی و مطالعه جداگانه آیات بدست نمی‌آید. استاد خامه‌گر معتقد است اگر با این نگاه به آیات فقهی نگریسته شود، ممکن است از طریق فهم بهتر آیه، احراز مقدمات حکمت و یا راه‌های دیگر، تأثیر آن را در استنباط فقهی نیز ببینیم.

کلیدواژگان: قرآن، تفسیر ساختاری، فقه، اجتهاد، سیاق، استنباط فقهی.

۱. این گفتار به کوشش کارگروه فقه و قرآن با حضور اعضای حلقه‌های علمی افق، حدیث و قرآن برگزار شده و توسط آقای محمد هادی میهن دوست استناددهی شده است. برای آشنایی با سخنران ر.ک: پایان نشست.



سرآغاز

قبل از بحث درباره‌ی تأثیر ساختار هندسی سوره‌ها در استنباط فقهی باید بدانیم که ساختار هندسی سوره‌های قرآن به چه معناست و چه نقشی در استنباط از قرآن دارد. از باب مقدمه، در بخش اول به اختصار به این موضوع اشاره می‌کنیم و در بخش بعدی، تأثیر ساختار سوره‌ها در استنباط فقهی و همچنین استنباط سایر گزاره‌های علمی از قرآن را بررسی خواهیم کرد.

بخش اول: ساختار هندسی سوره‌های قرآن و نقش آن در استنباط از قرآن

تفسیر ساختاری یا تفسیر قرآن با استفاده از ساختار هندسی سوره‌های قرآن، روش جدیدی در تفسیر قرآن است که براساس آن، هر سوره دارای غرض و رویکرد واحدی است و تمامی آیات و مباحث مطرح شده در سوره، به صورت منطقی و فصل‌بندی شده به آن غرض مرتبط می‌شوند. اگر از این زاویه و با کمک ساختار سوره به مطالعه سوره‌ها بپردازیم، می‌توانیم افزون بر فهم مفهوم آیه، ارتباط آن را با آیات دیگر در همان سوره نیز درک کرده و از ساختار سوره، حتی برای فهم ارتباط بین سوره‌ها نیز کمک بگیریم. افزون بر این، با استفاده از چنین روشی می‌توان به گزاره‌های جدیدی از قرآن دست یافت که به طور معمول و با بررسی و مطالعه جداگانه آیات به دست نمی‌آید. تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن، کارکردهای متفاوتی دارد که این کارکردها از نظر تبلیغی، آموزشی و نیز علمی با تأثیری که در مباحث علوم قرآنی و تفسیر دارد، مورد توجه واقع شده‌اند. از این رو بعضی دانشمندان علوم قرآنی، آن را به عنوان یک نهضت در تفسیر قرآن تعبیر کرده‌اند که بنیان جدیدی را در تفسیر پایه‌گذاری می‌کند و تحولی جدید یا یک گام به جلو در تفسیر قرآن به قرآن است.^۱

۱. منظور از تعبیر ساختار هندسی سوره‌های قرآن، نظم و ارتباط منطقی حاکم بر آیات یک سوره است. می‌توان ارتباط آیات درون یک سوره را از طریق ضوابطی کشف کرد و به نمودار و ساختار آن سوره رسید؛ به گونه‌ای که ارتباط صدر و ذیل سوره و تک‌تک آیات به یکدیگر مشخص شود. این چیزی است که در تفاسیر موجود، اصلاً پرداخته نشده و یا کم‌رنگ است. در این تفاسیر دو آیه هم‌جوار عمیقاً تفسیر می‌شود؛ اما ارتباط آن دو به یکدیگر مشخص نمی‌شود. گویا با کتابی مواجه هستیم که اوراق آن قیچی شده و به صورت اتفاقی در کنار هم گزارده شده است. گاهی در حین بیان معاد، به یکباره بحث توحید مطرح می‌شود و در وسط آن نیز داستانی گوشزد می‌شود که چنین به ذهن تبادر می‌کند که گویا این آیات هیچ ارتباطی باهم ندارند.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: محمد خامه‌گر، در آمدی بر تفسیر ساختاری قرآن، ش ۲۹-۳۰، بهار و تابستان ۱۳۸۱.



پیشینه تاریخی

بحث ساختار هندسی سوره‌های قرآن در شکل کنونی آن، به قرن‌های ۱۴ و ۱۵ قمری یا بیستم میلادی مربوط می‌شود. هرچند مسئله نگرش ساختاری و جامع‌نگرانه به سوره‌های قرآن، در زمان‌های گذشته نیز به صورت جست‌وجوگریخته مطرح بوده، اما هیچگاه به عنوان یک روش تفسیری، یا بهتر بگوییم، یک سبک تفسیری مورد توجه واقع نشده است.

برخلاف نگاه اول ما به هر سوره که آیات آن را پراکنده می‌بینیم، یا دست‌کم آیات را در دسته‌های پراکنده با فضاها و موضوعات خاص تصور می‌کنیم، هر سوره دارای یک ساختار منسجم است که در پرتو آن، ساختار سوره یک غرض، هدف، محور اصلی و به تعبیری یک روح کلی دارد. پس از شناخت این روح کلی و غرض اصلی، همه آیات ارتباطی منطقی با این عنوان کلی می‌یابند. این نگاه کلی به ساختار سوره‌ها به طور مشخص از سال ۱۳۶۵ ق با نگارش تفسیر المیزان^۱ در بین شیعیان و تفسیر فی ظلال القرآن^۲ در میان اهل سنت مطرح شد.

نگاه ساختاری به سوره‌ها ابتدا به عنوان یک سبک مطرح بود، اما در بیست سال اخیر، تبدیل به روش^۳ و منبعی برای برداشت از قرآن شده است و تحولی در این نوع نگاه به قرآن کریم، به وجود آمده است.^۴

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: سید سیدحسین هاشمی، وحدت موضوعی سوره‌ها در تفاسیر المنار و المیزان، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۷، ۱۳۸۸.

۲. برای مطالعه بیشتر، رک: محمد بهرامی، پیوند آیات سوره‌های قرآن در تفسیر فی ظلال، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۹-۶۰، ۱۳۸۸.

۳. فرق بین روش و سبک در تفسیر، این است که سبک، به نیاز مخاطب توجه دارد، یعنی وقتی محتوایی با توجه به میزان دانش، علایق و فرصت مخاطب به شکل‌های مختلفی ارائه می‌کنید؛ مثل تفسیر مزجی در مقابل تفسیرهای مفصل‌تر. اما روش، نوع استنباط و درک مفاهیم از متن کتاب شریف است؛ برای مثال اگر کسی قرآن را بر مبنای روایات تفسیر کند، از روش اثری استفاده کرده و اگر با استفاده از عقل تفسیر کند، به آن تفسیر عقلی می‌گویند.

۴. مهم‌ترین پایه‌گذاران این روش عبارتند از: رشیدرضا در تفسیر «المنار»، شیخ طنطاوی در «الجواهر فی تفسیر القرآن»، سیدقطب در کتاب «التصویر الفنی فی القرآن» و تفسیر «فی ظلال القرآن»، دکتر محمدعبدالله دراز در «النبأ العظیم»، شیخ محمد مدنی در «المجتمع الاسلامی کما تنظمه سورة النساء» و علامه طباطبایی در «المیزان فی تفسیر القرآن».



نقش ساختار هندسی سوره‌ها در استنباط از قرآن
قبل از ورود به بحث باید بدانیم برای فهم دیدگاه قرآن درباره یک موضوع از چه روش‌هایی
استفاده می‌شود.

روش‌های تفسیر و فهم قرآن

۱. تفسیر ترتیبی

یکی از روش‌هایی که در بیشتر تفاسیر رایج است، مطالعه آیه در همان جایگاه است. در این روش مفسر با بررسی ادبی واژگان، مناسبت آن با آیات هم‌جوار، شأن نزول آیه، تقدیم و تأخیر واژه‌ها در آیه و کاربرد صنایع لفظی و ادبی در آن، به استنباط گزاره‌ها از آیه می‌پردازد. برای مثال در تفسیر راهنما از آیه شریفه «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ اِبْعَثْ لَنَا مَلِكًا»^۲ که درباره داستان طالوت و جالوت نازل شده است، چنین استنباط شده که اِعمال رهبری در جامعه، در گروهی تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن است. این ادعایی است که می‌تواند بخشی از نظریه مردمسالاری دینی را در نظام سیاسی اسلام تبیین کند؛ یعنی اگر شما می‌خواهید یک پادشاه، حاکم یا فرمانده را در جایی منصوب کنید، به دیدگاه و نظر مردم هم توجه داشته باشید.^۳ این گزاره سیاسی یا علمی، فقط از این آیه استنباط شده است و کاری هم به بقیه آیات ندارد.

۱. تفسیر راهنما، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲. بقره: ۲۴۶.

۳. بدین سان از آیه یادشده استنباط شده است که: «حضرت اشمونیل قبل از درخواست مردم کسی را به‌عنوان فرمانده ایشان معین نکرد؛ با اینکه ضرورت آن روشن بود.» (تفسیر راهنما، ج ۲، ص ۱۷۲).



۲. تفسیر موضوعی

استنباط گزاره‌های علمی از آیات، پس از مطالعه آیات مشابه و هم‌افق میسر می‌شود. طرفداران این روش معتقدند که مجموعه آیات قرآن، یک نظام علمی همگون را گزارش می‌دهند و کشف این نظام، جز با مطالعه و بررسی همه آیات مربوط به یک مسئله ممکن نیست. مفسر در این روش با مطالعه مکاتب سیاسی یا بررسی چالش‌های سیاسی معاصر، پرسش‌هایی را مطرح کرده و سعی می‌کند با بررسی مجموعه آیات مرتبط با موضوع، به پاسخ آنها دست یازد. در این روش با بررسی چند آیه عام و خاص، گزاره‌ای علمی استنباط شود.

۳. تفسیر ساختاری

در روش ساختاری کشف گزاره‌های علمی قرآن، به جای اینکه آیات را از سوره‌های مختلف جمع کنیم، ساختار سوره را مطالعه می‌کنیم. این روش، در حقیقت مکمل روش موضوعی و روش مبتنی بر مطالعه آیه است و با استفاده از آن می‌توان گزاره‌های جدیدی از قرآن کریم را استنباط کرد.

روش ساختاری بر نگرش جامع‌گرایانه به معانی سوره‌ها استوار است. مفسر بر این اساس و با ژرف‌اندیشی در محتوای پیام سوره، به دنبال یافتن غرض اصلی سوره است تا با تکیه‌زدن بر آن، نگاهی گسترده و جامع به آیات بیندازد. او با فهم روح کلی سوره، به چگونگی ارتباط آیات به‌ظاهر پراکنده با یکدیگر دست می‌یابد و از رهگذر انسجام معنایی سوره، نکات تازه‌ای از آن کشف می‌کند.^۱

۱. روش دیگری که در کاوش قرآن وجود دارد، تفسیر قرآن براساس ترتیب نزول است؛ برای مثال قرآن که خواسته است مسئله امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه مطرح کند، چگونه مطرح کرده است؟ آیاتی که در این باره نازل شده است، چه گام‌هایی را طی کرده است؟ ملاحظه ترتیب نزول آیات در یک موضوع به ما نشان می‌دهد که قرآن چه روشی را به کار برده است؛ نظیر بحث‌هایی که در بیان مراحل اعلان حکم تحریم ربا یا شرب خمر در تفاسیر آمده است.



فرایند برداشت از ساختار سوره

برای استنباط گزاره‌های علمی از ساختار سوره‌ها، باید طبق روش خاصی عمل کرد:

۱. تهیه فهرستی از مطالب سوره، به ترتیب آیات،
۲. تشخیص و دسته‌بندی آیاتی که در یک سیاق هستند، با کمک ضوابط لفظی و محتوایی،^۱
۳. تعیین عنوانی خاص، برای هر دسته و
۴. ارتباط‌دهی میان عناوین فرعی که همان تعیین هدف و روی‌کرد کلی سوره است.

عرضه غرض استخراجی بر شاخص‌ها

پس از کشف غرض سوره از طریق مطالعه سیاق، این غرض را به شاخصه‌های متعددی عرضه می‌کنیم؛ برای مثال عنوانی که برای غرض سوره انتخاب کرده‌ایم باید با آیات آغازین و پایانی سوره و داستانها و مثال‌های موجود در آن سوره هماهنگ باشد. وجود حروف مقطعه، فراوانی اسماء‌الحسنی یا تکرار يك موضوع درون سوره، در غرض سوره تأثیرگذار است. در مجموع ۱۴ تا ۱۵ شاخص وجود دارد که به ما در فهم غرض و ارایه ساختار سوره کمک می‌کند.^۲

۱. برخی از ضوابطی که نشان‌دهنده پیوستگی آیات یا عدم آن است، از این قرار است: ۱. وجود بخشی از متعلقات آیه در آیه بعد، ۲. تداوم معنایی و محتوایی در آیه بعد، ۳. وحدت موضوعی آیات، ۴. پیوند زنجیروار آیات با دست کم یکی از ابزارهای ارتباط و پیوند لفظی، نظیر ضمیر، اشاره، عطف، ردع، استثناء، تکرار، خبر، صفت، حال، تأکید، بدل، عطف بیان، ظرف، مفعول، شرط و قسم، ۵. آیات تکراری یا ترجیع‌بند در مرز هر دسته؛ مانند سوره‌مرسلات، ۶. تغییر موضوع، ۷. وجود آغازهای متفاوت به‌عنوان نشانه تشخیص دسته‌ها، ۸. تغییر مخاطب آیه.

۲. برخی راهکارهای جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی در کشف هدف سوره، عبارتند از: ۱. بررسی سیاق سوره، ۲. توجه به اسم سوره، ۳. مقایسه آیات آغازین و پایانی سوره، ۴. بررسی فضای نزول سوره، ۵. توجه به شأن نزول سوره و آیات آن، ۶. مکی یا مدنی بودن سوره، ۷. بررسی قصه‌های سوره، ۸. فراوانی تکرار يك موضوع در سوره، ۹. واژه‌های کلیدی هر سوره، ۱۰. فضائل و خواص سوره، ۱۱. فراوانی اسماء‌الحسنی در سوره، ۱۲. توجه به حروف مقطعه در سوره، ۱۳. بررسی آیات پایانی سوره قبل، ۱۴. بررسی آهنگ انتهایی آیات.



بخش دوم: تأثیر ساختار بر برداشت‌های فقهی

یک نگاه ساختاری به قرآن، چه تأثیری می‌تواند در استنباط‌های علمی ما بگذارد؟ چه کمکی به استنباط مباحث فقهی می‌کند؟ چه فایده‌ای دارد؟ این استنباط چه تفاوتی با نگاه غیرساختاری دارد؟ در اینجا به دو اثر عمده این نگاه در استنباط فقهی اشاره می‌کنیم:

۱. کشف جنبه‌های مختلف یک حکم و کمک به احراز مقدمات حکمت

اولین تأثیر ساختار را می‌توان در فهم جهات مختلف یک حکم دانست. قرآن یک کتاب فقهی نیست که شروع به نوشتن رساله کند و به ترتیب حکم قصاص، وصیت، روزه، جهاد و بقیه احکام را بیان کند؛ بلکه سیاق و هدفی دارد که متناسب با آن، بعضی احکام را مطرح می‌کند. از این رو گاهی می‌بینیم که یک مسئله در دو جای قرآن مطرح شده است؛ چرا که ممکن است جهات بحث در آنها متفاوت بوده و حکم مسئله با روی کرد و هدفی متناسب با غرض همان سوره بیان شده باشد. برای مثال احکام عده طلاق در هر دو سوره بقره و طلاق بیان شده است؛ اما گزاره‌های ارایه‌شده و نکاتی که در این دو سوره بر آنها تأکید شده است، در هر سوره متفاوت است. وقتی با نگرش ساختاری به این آیات نگاه کرده و غرض و روی کرد هر کدام از سوره‌ها را کشف می‌کنیم، جهات متفاوت حکم، علل تغییر عبارات، لحن و تأکیدات و نیز تغییر واژگان در بیان یک مسئله فقهی، بر ایمان روشن می‌شود.

۱-۱. جهت حکم عده در سوره طلاق

روی کرد و جهت اصلی در سوره طلاق، اهمیت رعایت حقوق زنان مطلقه و تأثیر رعایت تقوا در کاهش آمار طلاق است^۱ که البته چگونگی رسیدن به این غرض، فعلاً محل بحث نیست. در آیه اول می‌فرماید اگر مسئله عده درست اجرا شود، به کاهش آمار طلاق کمک می‌کند: «یا ایها

۱. ر.ک: ضمائم، شکل ۱.



النبي إذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن واحصوا العدة»^۱.

علامه طباطبائی می‌فرماید: طلاق دادن برای عده، یعنی طلاق برای زمان عده؛ به گونه‌ای که زمان عده، از زمان وقوع طلاق حساب شود. «وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ» یعنی عده را حساب کنید و همان سه طهر را دقیقاً رعایت کنید.

سپس می‌فرماید: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ» یعنی از مخالفت با خدا پرهیز کنید که شما را پرورش داده است. اینجا گرچه ربوبیت تکوینی هم مورد توجه است، اما ربوبیت تشریحی بیشتر مدنظر است. سپس می‌فرماید: «لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» زن‌ها را از خانه شوهر بیرون نکنید و زن‌ها هم از آن خانه خارج نشوند؛ یعنی در این سه ماه با هم زندگی کنند. حکمی که متأسفانه در سینما، صداوسیما و عرف جامعه، خلاف آن نشان داده می‌شود؛ یعنی طلاق که می‌گیرند، زن و شوهر از همان دادگاه، راه خود را می‌گیرند و می‌روند.^۲ سپس تأکید می‌کند: «وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» یعنی تو نمی‌دانی؛ شاید خداوند پس از این طلاق، چیزی پدید آورد تا وسیله صلح و سازش آنها شود و رعایت عده به این شکل، ممکن است منجر به بازگشت آنها به زندگی شود.

پس در مسئله عده بر چهار نکته تأکید می‌شود:

۱. تأکید بر رعایت دقیق قانون عده؛

۲. محاسبه دقیق زمان آن، بدون کم‌وزیاد؛

۱: ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده، آنها را طلاق گویند [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عده را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند این حدود خداست، و هرکس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند. (طلاق: ۱)

۲. طبق برخی احادیث، مستحب است زن در این مدت، زینت خود را برای شوهرش ظاهر سازد تا شاید خداوند مهربان، نفرت و کینه را از میان آنها برداشته و محبت را دوباره بینشان جایگزین سازد. (الکافی، ج ۶، ص ۹۱، ح ۱۰) این همه زمینه‌سازی برای بازگشت به زندگی مشترک است؛ چراکه زن و مرد ممکن است به‌خاطر غلبه احساسات، در مرحله اول به طلاق راضی شوند و زندگی مشترک خود را برای مدتی معلق کنند، اما این مدت فرصت خوبی برای تأمل و بازگشتی دوباره است.



۳. عدم جواز اخراج زنان از خانه شوهر، مگر به خاطر فساد آشکار؛
۴. عدم جواز خروج زنان از خانه شوهر و تأکید مکرر بر رعایت تقوا و حدود الهی در این آیه و نیز کل سوره که مسئله تقوا را به یک مسئله محوری در این سوره تبدیل کرده است.

۱-۲. جهت حکم عده در سوره بقره

اما مسئله عده در سوره بقره، چگونه مطرح شده و چه ارتباطی با ساختار سوره دارد؟ سوره بقره، اولین سوره‌های است که در مدینه نازل شده و روی کرد اصلی آن، معرفی آیین اسلام به عنوان تنها راه سعادت جامعه بشری است.

پیامبر ﷺ در صدد تشکیل حکومت اسلامی در مدینه است؛ در جایی که چند تئوری و گفتمان رقیب نیز برای اسلام وجود دارد. اولین گفتمان، آداب و رسوم جاهلی است که در میان اعراب، به ویژه اوس و خزرج، وجود دارد. بعضی آداب و رسوم آنها در ازدواج و طلاق، مثل لعان، ظهار، ایلاء و... هنوز رایج بوده است که اسلام، بسیاری از این آداب و رسوم را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد؛ از بین می‌برد یا با کفاره‌های سنگین، مانع از وقوع آنها می‌شود. دو نظریه رقیب دیگر هم وجود داشته که به طور عمده دیدگاه یهود بوده است. یهودی‌ها سنت مشخص و شریعت بسیار مفصلی داشته‌اند. اگر تورات و تلمود را مطالعه کنید، متوجه عمق و ریزینی‌های آن می‌شوید. مسیحی‌ها هم ابتدا تابع دیدگاه یهودی‌ها بودند؛ چون شریعت مسیحیت از یهود جدا نبود، تا زمانی که پولس^۱ مسیحیت را به عنوان یک دین بدون شریعت مطرح کرد. البته احکام بسیار محدودی در اناجیل هست؛ مانند آنچه در انجیل متی، باب ۲۳ آمده که می‌گوید زن خود را طلاق ندهید، مگر اینکه زنا کرده باشد.

در این فضا، سوره بقره در چهار بخش می‌خواهد بگوید که آیین اسلام، تنها راه سعادت

۱. پولس، متولد حدود ۱۰م، نخست با نام آیین یهود به مبارزه با مسیحیت پرداخت و در اورشلیم بسیاری از مسیحیان را کشت. بنا به روایت «انجیل»، شخص «عیسی مسیح» بر وی ظاهر شد؛ از او گلايه کرد و به او مأموریت داد تا سفیر خداوند برای غیر یهودیان باشد. بدین ترتیب، پولس آیین یهود را کنار گذاشت؛ به مسیحیت گروید و بدون ارتباط با حواریین، ادعا کرد که با مسیح در ارتباط است. از جمله بدعت‌هایی که پولس در مسیحیت ایجاد کرد، نفی شریعت بود؛ امری که نه از مسیح و نه از حواریان او نقل نشده بود.



بشری است.^۱ در بخش اول، به اجمال نیاز انسان به ایمان به پیامبر و قرآن را بیان می‌کند. در بخش دوم، چهارده دلیل مخالفان، اعم از یهودیان، مسیحیان و مشرکان را نقد و بررسی کرده و اسلام را تثبیت می‌کند. در بخش سوم با بررسی حدود پانزده قانون، برتری نظام اسلام بر سایر نظام‌های حقوقی را بیان می‌کند؛ برای مثال می‌گوید دین یهود برای مجازات قتل، فقط قصاص دارد؛ اما در اسلام، دیه هم وجود دارد. یا اینکه در جاهلیت، اگر کسی دیگری را می‌کشت، قبیله مقابل هر چقدر که می‌توانست از قبیله قاتل می‌کشت؛ اما اسلام می‌گوید در مقابل یک نفر، فقط یک نفر کافی است.

اما یکی از قوانینی که در این بخش بیان می‌شود، احکام ازدواج و طلاق و حکم عده در طلاق رجعی است. بنابراین بحث احکام عده در طلاق رجعی، در جایی مطرح شده که می‌خواهیم بگوییم حکم اسلام در این زمینه، بر احکام عده در جاهلیت و سایر مکاتب برتری دارد. مسئله این است که احکام عده در اسلام، مبتنی بر ایمان افراد است؛ بنابراین می‌گوید اگر ایمان آوردید، به آداب و رسوم جاهلی عمل نکنید و این‌گونه عمل کنید. در نتیجه در اینجا تعبیر ایمان کاربرد دارد، نه تقوایی که در سوره طلاق مطرح بود.

آیه می‌گوید: «وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ»^۲ کسانی که طلاق داده شدند، باید خودشان به مدت سه بار پاکی منتظر بمانند. در این آیات بیشتر توجه به خود زن‌هاست که این احکام را رعایت کنند و به جاهلیت برنگردند. «وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ»: زن‌هایی که طلاق داده شدند، اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید، جایز نیست آنچه خداوند در ارحامشان خلق کرده است را پنهان کنند. و بعد می‌گوید: «وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا»، یعنی باید توجه داشته باشید که شوهر قبلی شما، احق است بر اینکه بازگردد و دوباره با شما ازدواج کند؛ گرچه اختلافات

۱. ر.ک: ضمانم، شکل ۲.

۲. بقره: ۲۲۸.



جزئی هم با یکدیگر داشته باشید، او می‌تواند در ایام عده به شما رجوع کند. سپس به این اشکال جواب می‌دهد که چطور مرد می‌تواند پس از طلاق برگردد؛ اما زن نمی‌تواند: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»؛ یعنی حقوق زن، متناسب با تکالیف زن است و نیز مردها یک درجه و برتری دارند. به تعبیری «الرجال قوامون على النساء»؛^۱ چون انفاق و مسئولیت خانه به دست آنهاست. به هر حال همان‌طور که زن وظیفه نفقه ندارد، متناسب با آن بعضی حقوق را هم ندارد و حق و تکلیف با هم مساوی است. واژه «بالمعروف» در اینجا از واژه‌های ویژه‌ای است که دوازده‌بار تکرار می‌شود؛ همانند تکرار کلمه تقوا در سوره طلاق.

اکنون بار دیگر مطالب آیه را مرور می‌کنیم:

۱. خطاب آیه بیشتر مربوط به زنان است تا مردان؛ چون زنان می‌خواستند به محض طلاق از همسر، بلافاصله ازدواج کنند که این مسئله در جاهلیت، هم مشروع و هم پسندیده بوده است.
۲. بر معروف بودن فرآیند ازدواج و طلاق تأکید بسیاری شده است؛ یعنی تطابق با شرع و عقل و عرف؛ نه هوای نفسانی و آداب و رسوم جاهلی،
۳. از احکام مورد توجه آیه، خودداری زنان از ازدواج، تا ۳ طهر پس از طلاق،
۴. زنان نباید حیض یا حمل خود را پنهان کنند،
۵. مردان در زمان عده، حق رجوع دارند و زنان نباید مانع شوند،
۶. اگر این حق به مردان داده شده است، به خاطر جایگاه آنها و تناسب حق و تکلیف است، در هر دو سوره طلاق و بقره، مسئله عده مطرح شده است؛ اما جهت‌ها و در پی آن تأکیدها و نقطه تمرکز بحث در این دو سوره این قدر با هم متفاوت است. این تفاوت را وقتی متوجه می‌شویم که نگاه ساختاری و از بالا به سوره داشته باشیم.

بنابر مقدمات حکمت، ابتدا باید احراز کنیم که آیه درصدد بیان چه مسئله‌ای است تا ببینیم آیا از وجود یا عدم ذکر قید، می‌توان استنباطی داشت یا نه. ساختار سوره به ما کمک می‌کند در



این مرحله، درک روشن‌تری از آیه پیدا کنیم.

۳-۱. حکم گوشت‌های حرام در سوره انعام

برای مثال حکم گوشت‌های حرام هم در سوره انعام و هم در سوره مائده بیان شده است. در سوره انعام می‌فرماید: «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛^۱ بگو: در میان آنچه بر من وحی شده است، چیزی را که خوردن آن حرام باشد نمی‌یابم؛ جز مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است یا حیوانی که در کشتنش نافرمانی شده و جز با نام الله ذبح شده است. اگر کسی ناچار به خوردن اینها شود، اگر بی‌میلی جوید و از حد نگذراند، خداوند آمرزنده و مهربان است.

ظاهر آیه در صدد بیان حکم تمام گوشت‌های حرام است و چند چیز را حرام اعلام می‌کند و بیش از آن را حرام نمی‌داند: «لا أجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ». آیا می‌توانیم از این آیه استفاده کنیم که برای مثال، گوشت سگ حرام نیست؟ و اگر در روایتی گوشت سگ یا بعضی حیوانات وحشی، حرام اعلام شده بود، با این آیه تعارض دارد و باید آن را کنار بگذاریم؟!

با نگاه به ساختار و سیاق سوره، متوجه می‌شویم که سوره انعام، برای روشن کردن محرمات الهی نازل شده است. مشرکان بدعت‌هایی را در آیین‌های پیشین به وجود آورده بودند^۲ و گاهی برخی از این بدعت‌ها را به آیین ابراهیم عليه السلام و امثال ایشان نیز نسبت می‌دادند؛ از این رو در این آیه می‌فرماید در وحی خداوند به من، خیلی از چیزهایی که شما حرام کردید، وجود ندارد.

۱. انعام: ۱۴۵.

۲. «وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَحَزْبٌ جَبْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَأَ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَمَ حَرَمَتَ طُهُورِهَا وَأَنْعَمَ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتُرُونَ»؛ «از روی پندار گفتند: این چارپایان و کشت‌زاران ممنوع است. هیچ کس جز آن که ما بخواهیم، نباید از آنها بخورد. و اینها چارپایانی هستند که سوار شدنشان حرام است و چارپایانی که نام خدا را بر آنها نبرند. به خدا افترا می‌بندند و به زودی به کیفر افتراپی که می‌بستند، جزایشان را خواهند داد.» (انعام: ۱۳۸)



در آیات قبلش نیز سخن از بچه حیوانات با دار است که در هنگام ذبح در شکم حیوان بوده است؛ این جنین چه حکمی دارد؟ مشرکان احکام خاصی در این باره داشتند؛ گاهی آن را حرام و گاهی حلال می‌دانستند یا بر مردها حلال و بر زن‌ها حرام می‌دانستند.^۱ در واقع این آیه به نحوی می‌خواهد محرمات آنها را نفی کند؛ بنابراین در صدد بیان یک مسئله شرعی، مثل آنچه در رساله‌ها آمده، نیست.

۴-۱. حرمت گوشت‌های حرام در سوره مائده

در آیه سوم مائده می‌خوانیم:

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالتَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ»

آیا اینها تنها چیزهایی است که حرام شده است؟ با نگاهی به سوره مبارکه مائده درمی‌یابیم که هدف اصلی این سوره، اخذ پیمان از مسلمانان است. سوره مائده، سوره پیمان و عهد الهی است؛ خداوند پس از یادآوری پیمان‌های اهل کتاب، به ذکر پیمان‌های خود با مسلمانان می‌پردازد که از جمله آن، پیمان ولایت در همین آیه^۲ و آیه ۵۵ این سوره است.^۳

این نگاه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چیزی که در اینجا به عنوان حرام مطرح شده است، نفی گرایش به چیزهایی است که هنوز آثارش در جامعه باقی است. برای مثال ذکر حکم حیواناتی که خفه‌شده یا با چوب و سنگ یا شاخ حیوان دیگر یا پرت‌شدن از بلندی جان داده‌اند، به این خاطر

۱. «وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَيَّ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ»؛ «و گفتند: آنچه در شکم این چارپایان است، برای مردان ما حلال و برای زنانمان حرام است و اگر مردار باشد، زن و مرد در آن شریکند. خدا به سبب این گفتار، مجازاتشان خواهد کرد. هر آینه او حکیم و داناست.» (انعام: ۱۳۹)

۲. «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالتَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْسَبُوهُمْ وَآخِشُونَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، (مائده: ۳)

۳. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»، (مائده: ۵۵)



است که تمام اینها روش‌های مرسوم ذبح حیوانات برای بت‌ها بوده است.^۱ از این آیات به درستی استنباط فقهی می‌شود که این روش‌های ذبح، هرچند برای بت‌ها هم نباشد، قابل قبول نیست و ذبح شرعی محسوب نمی‌شود؛ اما خداوند در اینجا نمی‌خواهد بحث احکام شرعی را به شکل مرسوم امروز مطرح کند. به هر حال این نگاه ساختاری به ما کمک می‌کند منظور آیه را بفهمیم تا بتوانیم آن را بر مقدمات حکمت عرضه کنیم.

۲. استخراج گزاره‌های جدید علمی

دومین تأثیر ساختار سوره در مباحث فقهی این است که به ما کمک می‌کند نکات جدیدی را از یک سوره و آیات آن به دست آوریم. نکات جدیدی که با مطالعه جداگانه آیات و منفک از سوره برداشت نمی‌شود. در روش تجزیه‌ای با بررسی واژه‌ها، ارتباطات درونی آیه را کشف می‌کنیم و در نهایت ممکن است نگاهی به ارتباط آیه با آیه قبل و بعدش هم داشته باشیم؛ اما در نگرش ساختاری آیه را در مجموع یک سوره نگاه می‌کنیم تا به گزاره‌های جدیدی برسیم.

من بحثی را درباره حکم شایعه در سوره «قلم» به طور اجمالی کار کرده‌ام که با عنوان «روش استنباط گزاره‌های سیاسی از ساختار سوره‌ها» در نشریه علوم سیاسی منتشر شده است.^۲ البته شاید این موضوع چندان فقهی نباشد؛ گرچه برخی دوستان علاقمند بودند که به آن، فقه سیاسی یا فقه اجتماعی بگویند. سوره قلم از جمله سوره‌هایی است که در اوایل بعثت نازل شده است. وقتی پیامبر ﷺ به نبوت مبعوث شد، اولین تهمتی که به ایشان زدند، جنون بود. چون پیامبر ﷺ می‌فرمود ایمان بیاورید که این دین جهانی و فراگیر خواهد شد و این آداب و رسوم جاهلی را رها کنید و... این تعابیر و فرمایشات پیامبر ﷺ باعث می‌شد به ایشان تهمت جنون بزنند.

۱. در تفسیر قرطبی نقل شده که در میان عرب معمول بود بعضی حیوانات را به خاطر بت‌ها آن قدر می‌زدند تا بمیرد و آن را نوعی عبادت می‌دانستند. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۵۹)

۲. نشریه علوم سیاسی، ش ۲۲، تابستان ۱۳۸۲.



در این سوره برای بیان حکم شایعه، آیات به چند دسته تقسیم می‌شوند. وقتی شایعه در جامعه‌ای شکل می‌گیرد، در واقع سه اتفاق افتاده است. ابتدا نقاط برجسته و مثبت یک فرد را کنار می‌گذارند؛ سپس او را با یک جنبه منفی مقایسه می‌کنند و آن جنبه منفی را در آن فرد، برجسته می‌کنند. یعنی برجستگی‌های او را تصدیع و نکات کم‌ارزش را برجسته می‌کنند و بعد با برشمردن ویژگی‌های فرد، نسبت به این جنبه منفی، آن را محور اصلی شخصیت او قرار دهند. سوره قلم برای مقابله با شایعه جنون پیامبر، ابتدا جنبه‌های برجسته پیامبر را که تصدیع شده، برجسته می‌کند و می‌گوید: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱ حالا اگر آن «بِنِعْمَةِ رَبِّكَ» هم مسئله نبوت باشد، با بیان مسئله اخلاق عظیم، می‌گوید که این شایعه به این پیامبر با چنین ویژگی‌هایی هرگز نمی‌چسبد! در گام بعدی می‌فرماید: اگر اینها نمی‌خواهند حق را قبول کنند، به زودی مشخص می‌شود که چه کسی گمراه است. سپس می‌فرماید: آن کسانی که به تو تهمت می‌زنند، نه ویژگی دارند که بیان می‌کند و از پیامبر می‌خواهد تحت تأثیر فشار شایعه قرار نگیرد: «وَلَا تَطْعَمْ كُلَّ حَلَاْفٍ مَّهِينٍ. هَمَّا زِ مَشَاءَ بِنَمِيمٍ. مَتَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ. عُتُلُّ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ»^۲ و بعد در بیان علت اصلی ایجاد شایعه می‌گوید که اینها به غرور قدرت و مال دچار شده‌اند.

در آیات ۱۶ تا ۴۴ به آنها وعده شکست می‌دهد و می‌فرماید این افراد کسانی هستند که خیال می‌کنند در اوج قدرت هستند؛ اما خداوند به زودی آنها را منکوب می‌کند و به عذاب دنیوی و اخروی دچار می‌شوند. در این آیات با یک ترتیب منطقی و بسیار زیبا، چنین نشان داده می‌شود که عذاب آنها حتمی است و استدلال‌هایشان نیز نادرست است. در انتها، آیات ۴۵ تا ۵۲ وظیفه پیامبر را در مقابل آنها ذکر می‌کند و می‌گوید: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ

۱. «نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند که تو به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی و توراست پاداشی پایان‌ناپذیر و تو را خلقتی عظیم است.» (قلم: ۱-۴)

۲. «از هر فرومایه‌ای که بسیار سوگند می‌خورد، پیروی مکن. عیب‌جویی که برای سخن‌چینی اینجا و آنجا می‌رود، بازدارنده از خیر، متجاوز گناه‌کار، خشن‌مردی ناشناخته نسب است.» (قلم: ۱۰-۱۳)



نَادَى وَ هُوَ مَكْطُومٌ).^۱

از این ساختار متوجه می‌شویم که برای مبارزه با تهمت‌ها و شایعات در جامعه، باید میسر خاصی را طی کنیم: دفاع از خود، نشان‌دادن ضعف‌های واقعی دشمن، بیان دلیل واقعی تهمت، مثل غرور و قدرت کاذب و در نهایت، صبر و مقاومت. ذکر این نکات نشان از آن داشت که چیزهایی از ساختار سوره استنباط می‌شود که به‌طور طبیعی از ملاحظه مستقل آیات به‌دست نمی‌آید. به هر حال به‌نظر می‌رسد که نگاه ساختاری به سوره، ممکن است ما را به نکات دیگری هم برساند که بدون ملاحظه ساختار امکان‌پذیر نیست.

پرسش و پاسخ

حجیت روش تفسیر ساختاری

حجیت روش تفسیر ساختاری، به حجیت سیاق و حجیت ظهور برمیگردد و اگر کسی پای خود را از قواعد حجیت ظهور کنار بگذارد، یعنی استنباطش از آیات و فهمش از غرض سوره، ناسازگار با ظهور و سیاق آیات باشد، لغزش کرده و کنار گذاشته می‌شود. سیاق وقتی به حد استظهار برسد، حجت است و به همین جهت هم برای تشخیص سیاق از قواعد و مفردات صرفی، از ترکیب‌های نحوی، موقعیت‌های بلاغی و غیره استفاده می‌شود. یکی از کارهای خوبی که آقای الهی‌زاده^۲ انجام داده‌اند، همین است که این را روش‌مند کرده و در چارچوب قواعدی بیان کرده‌اند. این قواعد در تشخیص سیاق‌های مختلف، محدوده نقاط شروع و اتمام سیاق، بسیار راه‌گشاست. برای مثال اگر مطلبی نتیجه مطالب قبل است، نمی‌تواند جدا شود و شروع سیاق و دسته‌ای جدید باشد یا اگر در آیه‌ای ضمیری به قبل برمی‌گردد، اجازه نداریم آن را ابتدای فصل در نظر بگیریم.

۱. «صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش و مانند صاحب ماهی (یونس پیامبر) نباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک‌اولی شد)؛ در آن زمان که خدا را خواند، درحالی که مملو از اندوه بود.» (قلم: ۴۸)

۲. محمدحسین الهی‌زاده (متولد ۱۳۴۱)، مؤسس و مسئول موسسه تدبیر در قرآن و سیره (مشهد).



تفسیر ساختاری و مبانی توقیفی بودن چینش آیات

یکی از مبانی این نظریه، توقیفی بودن چینش آیات در سوره‌هاست؛ اما اگر بر فرض، چینش آیات قرآن توقیفی نباشد و توسط اصحاب انجام شده باشد، باز هم اصل نگاه ساختاری زیر سؤال نمی‌رود. تفسیر ساختاری یک نگاه متن‌شناسانه است و هر مطلبی از هر شخص عاقل و حکیم بیاید، هر چند یک فرد عادی باشد، می‌توانید چنین بحثی را درباره آن متن، مطرح کنید؛ گرچه اهمیت کمتری می‌باید.

برای مثال فرض می‌کنیم یک صحابی که گرچه از جهت حکمت و عمق دقت به رسول‌الله نمی‌رسد، اما فرد عاقل و حکیمی بوده، آیات را کنار هم چیده است. قاعدتا می‌شود اینها را به هم وصل کرد و ارتباط فرازهای مختلف آن را با یکدیگر فهمید. البته در برخی موارد هم ممکن است اشتباه کرده و نظم کلام را به هم ریخته باشد. یکی از مستشرقین قرآن را طور دیگری تنظیم و آن را در دایره‌المعارف بریتانیکا آورده است و به این نتیجه رسیده که نظم آیات به هم ریخته است. برای مثال چند آیه از سوره فتح را گرفته و کنار آیات سوره احزاب گذاشته و گفته که بهتر است آنجا باشد؛ زیرا کسانی که اینها را چیده‌اند، سواد بالایی نداشته‌اند! گوستاو لوبون^۲ هم در تاریخ تمدن اسلام و عرب^۳ می‌گوید یکی از دلایل امی بودن پیامبر اسلام، همین است که قرآن به خوبی چیده نشده و اگر فرصت شود، آن را برای شما به خوبی می‌چینیم!

۱. دانش‌نامه بریتانیکا یکی از مهم‌ترین منابع انگلیسی، در سال ۱۷۶۸م منتشر شد و هم‌چنان در در حال ویرایش است. نسخه جاری آن، ویرایش پانزدهم است که در سال ۲۰۰۴ منتشر شده و شامل ۱۲۰۰۰ مقاله با ۴۴ میلیون لغت در ۳۰ جلد است. بریتانیکا هدف ارایه تمامی معارف و علوم بشری در شکلی نوین را دنبال می‌کند و اینکار تا و به‌تازگی ویکی‌پدیا، رقبای جدی آن محسوب می‌شوند.

۲. گوستاو لوبون (۱۸۴۱-۱۹۳۱م)، جامعه‌شناس فرانسوی.

۳. نویسنده در این اثر ضمن بررسی و ارزیابی جنبه‌های مختلف تمدن اسلامی، به دستاوردهای مسلمانان در زمینه‌های علوم گوناگون نیز اشاره می‌کند. این کتاب در شش جلد به عناوین متنوعی نظیر سرزمین و نژاد عرب، بنیاد تمدن اسلام، امپراطوری اسلام، رسوم و نظامات مسلمین، تمدن اسلام و علوم اسلامی و در نهایت علل انحطاط تمدن اسلامی را بررسی می‌کند.



تفسیر ساختاری و فهم آیات در نزول تدریجی

اگر فهم از قرآن ساختاری نباشد، این گونه نیست که فرد چیزی از قرآن نفهمد یا تأثیر بسیار زیادی در فهم آن داشته باشد؛ بلکه این رویکرد تفسیری، به فهم نکات جدیدتری کمک می‌کند. در تحقیقی که انجام شده، مشخص شده است که از میان ۱۱۴ سوره، حدود ۱۰۰ سوره به یک‌باره نازل شده است. البته در سوره‌هایی که به تدریج نازل شده است نیز، فهمی که پس از کامل شدن سوره برای مردم عصر نزول به دست می‌آید، نسبت به فهم اولیه آن، کامل‌تر خواهد بود؛ اما به این معنا نیست که در هنگام نزول تدریجی آیات، چیزی از آن فهمیده نمی‌شود.

تأثیر ساختار در استنباط فقهی؛ هنوز در حد طرح مسئله

اشکالی که بنده به عنوان این نشست داشتم، یعنی تعبیر «تأثیر ساختار هندسی سوره‌های قرآن در استنباط فقهی»، این بود که چنین عنوانی ممکن است انتظارات خاصی را ایجاد کند. در صورتی که فعلاً تمام همت ما این است که بگوییم نگاهی غیر از نگاه معمول و رایج می‌توان به قرآن داشت. نگاه رایج، توجه به آیه و اقتضائات لفظی و ظاهری آن و ارتباط آیه با آیات قبل و بعد است؛ اما نگاه دیگری هم در تفسیر وجود دارد که ممکن است استنباط جدیدی را ایجاد کند. کما اینکه این نگاه در برخی علوم به‌نحوی به‌کار رفته و نکات و گزاره‌های جدیدی هم از آن استنباط شده است. جا دارد که در فقه هم به این مسئله توجه شود. سخن ما بیشتر طرح مسئله بود؛ تا اینکه ادعا کنیم مثلاً تمام قرآن را با این نگاه بررسی کرده‌ایم و به‌طور روشن به این استنباط‌ها رسیده‌ایم!

فهم ساختاری و تأثیر غیر مستقیم بر فقه

تأثیر ساختار در استنباط فقهی، گاهی به‌طور صریح و مستقیم است و گاهی نه؛ مقدمات و فهمی از آیه به‌وجود می‌آورد که ممکن است در نهایت در استنباط فقهی تأثیرگذار باشد. برای مثال اینکه بدانیم آیه‌ای در سوره‌ای به شکلی و با تأکید بر نکاتی مطرح شده و در سوره‌ای دیگر به شکلی



دیگر و با تأکید بر نکاتی دیگر، تأکید شده است، ما را به فهم بهتری می‌رساند. ما ساختار سوره را باید در استنباط فقهی در نظر بگیریم؛ این یک پیشنهاد است و هنوز در آغاز راه هستیم.

در این زمینه هنوز کار زیادی نشده است. ساختار سوره نساء، مائده و بقره که بخش زیادی از احکام فقهی را بیان کرده‌اند، به‌طور مشخص ترسیم شده است. در آنجا نشان داده شده است که همه احکام فقهی مطرح شده در این سوره‌ها به نحوی با ساختار سوره، از نظر محتوایی ارتباط دارند؛ اما اینکه منجر به استنباط یک حکم جدید شود، نیاز به کار بیشتری دارد.

ساختار زمانی تأثیر کاملاً محسوسی بر استنباط فقهی دارد که غرض اصلی سوره‌ای فقهی باشد؛ چنانچه در بحث‌های سیاسی یا اجتماعی داریم. برای مثال من اصول هم‌گرایی در جامعه از دیدگاه سوره مبارکه آل عمران را نوشته‌ام و در آنجا نشان داده‌ام که اگر با نگاه ساختاری مسئله وحدت و اصول هم‌گرایی را مطرح کنید، به چه نتایجی می‌رسید؛ درحالی که بدون این نگاه، نتایج محدودتر و کمتری می‌یابید. اما سوره‌ای که هدف اصلی آن طرح یک مسئله فقهی باشد، نداریم. حتی هدف اصلی سوره طلاق هم که عنوان فقهی دارد، طرح مسئله طلاق نیست؛ بلکه هدف اصلی آن، بیان تأثیر تقواست و بیشتر، جنبه اجتماعی تقوا مطرح است تا جنبه فقهی آن. با این حال معتمد نگاه ساختاری به ما کمک می‌کند تا دست کم فهم بهتری از آیات فقهی داشته باشیم و این کار، همت فقها را می‌طلبد.

روش ساختاری در بسیاری از علوم تأثیر خود را نشان داده و در مباحث فقهی هم می‌توانیم چنین ادعایی داشته باشیم. مطلبی که درباره مقایسه سوره طلاق و بقره در بحث عده داشتیم، نشان‌دهنده قدرت ساختار در فهم و تأثیر تفاوت بیان یک حکم در دو سوره مختلف بود. ساختار به ما کمک می‌کند تا این نکته را بفهمیم و البته این قبل از ورود به بحث استنباط فقهی است. همچنین نگاه ساختاری به سوره‌ها، به تشخیص اسباب نزول جعلی از غیر جعلی و نیز به ترجیح اقوال تفسیری کمک می‌کند و همچنین در بحث آیات محکم و متشابه و بحث ناسخ و منسوخ، تأثیرگذار است.



ضمایم

شکل (۱): ساختار سوره طلاق





شکل (۲): ساختار بخش سوم سوره بقره





آشنایی با سخنران

محمد خامه‌گر (متولد ۱۳۴۳ ش اهواز) سطوح حوزوی را نزد حضرات آیات اعتمادی، ستوده و وجدانی و دروس خارج فقه و اصول را طی سالیان ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷ نزد آیات عظام مکارم‌شیرازی، فاضل‌لنکرانی، منتظری و سبحانی گذراند. او هم‌زمان با تحصیل و تدریس حوزوی، در سال ۱۳۷۹ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث را نیز از دانشگاه اصول دین قم اخذ کرد و دکترای خود را در همین رشته در دانشگاه فردوسی گذراند.

ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تفسیر آفتاب (ترجمه پیوسته و تفسیری سوره بقره)، تفسیر ساختاری قرآن کریم (۶ج) و اصول طراحی و برنامه‌ریزی در مراکز پژوهشی اسلامی از جمله آثار مکتوب اوست و مقالات متعددی نیز در نشریات مختلف، به‌ویژه فصل‌نامه علمی پژوهشی آموزه‌های قرآنی نگاشته است. از جمله: آسیب‌شناسی روایات تفسیری، روش استنباط گزاره‌های علمی از ساختار سوره‌های قرآن، درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن، مبانی و پیشینه هدف‌مندی سوره‌های قرآن، نگرش جامع‌گرایانه به سوره‌های قرآن، شبکه معنایی موضوعات قرآن، دانش‌نامه جهانی شیعه و قرآن، روش استنباط گزاره‌های سیاسی از ساختار سوره‌های قرآن و...

وی همچنین سابقه فعالیت پژوهشی در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (۸۶-۷۶)، مدیریت پژوهش مرکز فرهنگ و معارف قرآن قم (۸۶-۸۱)، معاونت اطلاع‌رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان قم (۸۱)، عضویت هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (از ۱۳۸۵)، مدیریت گروه پژوهش‌های قرآنی دفتر تبلیغات اسلامی مشهد (۱۳۸۹) و مدیریت پژوهش دفتر تبلیغات خراسان رضوی (۱۳۹۰) را در کارنامه اجرایی خود دارد.

برای مطالعه بیشتر

۱. احمدزاده، سیدمصطفی، وحدت موضوعی سوره‌ها در «تفسیر تسنیم»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۷، ۱۳۸۸.
۲. ایازی، سیدمحمدعلی، چهره پیوسته قرآن، هستی‌نما، اول ۱۳۸۰ ش.
۳. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۴. باقری خرم‌دشتی، ناهید، بررسی و ارتباط آیات در دو سوره قرینتین (انفال و توبه)، پایان‌نامه



- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳ش.
۵. البستانی، محمود، التفسیر البنائی للقرآن الکریم، ج۵، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش.
۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر، الدرر فی تناسب الآیات والسور، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۷. بهرامی، محمد، هدف‌مندی سوره‌های قرآن در تفسیر مراغی، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۷، ۱۳۸۸ش.
۸. تاجری‌نسب، غلام‌حسین، معرفی و نقد کتاب «تناسق الدرر فی تناسب السور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۲ش.
۹. حجازی، محمدمحمود، الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم، دارالکتب الحدیثه، قاهره، ۱۳۹۰ق.
۱۰. حلیمی‌جلودار، حبیب‌الله، پژوهشی در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم (المیمات، مسبحات و حوامیم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴ش.
۱۱. حمیدی‌مقدم، هاله، بررسی تناسب سوره‌های مانده و انعام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۷۳.
۱۲. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۶ش.
۱۳. خرقانی، حسن، هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۹ش.
۱۴. رشیدی، هدایت، مناسبات سور آغاز شده با حروف مقطعه و رابطه حروف مقطعه با مضامین آن سوره‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ش.
۱۵. سیدقطب، آفرینشهای هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، بنیاد قرآن.
۱۶. _____، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲.
۱۷. سیدقطب، التصوير الفنی فی القرآن، قاهره، دار الشروق، ۲۰۰۲.
۱۸. شحاته، عبدالله محمد، درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌ها، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۱۹. صالحی، سیدعباس، مفسران معاصر و پیوند معنایی سوره‌های قرآن، پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۷، ۱۳۸۸ش.
۲۰. صعیدی، عبدالمتعال، النظم الفنی فی القرآن، قاهره، مکتبه الآداب، ۱۴۱۳ق.